

شیخیه

از منتظر صاحب نظران شیعه

ترجمه و تالاف فی الشیخیه

تألیف

سید مهدی موسوی

ترجمه

استاد عبدالله امینی پور

تهران - ۱۳۹۸

سرشناسه : موسوی، سید مهدی ، ۱۳۳۰
 عنوان قراردادی : فتاوی فی الشیخیه . فارسی
 عنوان و نام پدید آور : شیخیه از منظر صاحب نظران شیعه / تالیف سید مهدی موسوی /
 ترجمه : استاد عبدالله امینی پور
 مشخصات نشر : تهران: راه نیکان ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری : ۹۸ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۶۹-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : شیخیه
 موضوع : Shakhkhiyeh
 موضوع : شیخیه — عقاید
 موضوع : Shakhkhiyeh — Doctrines.
 موضوع : شیخیه — جنبه های مذهبی — اسلام
 موضوع : Shakhkhiyeh — Apologetic works
 شناسه افر : امینی، ی. ، عبدالله ، ۱۳۴۴ - مترجم
 رده بندی کنگر : ۳۹۶ ش ۸ م ۵ / BP۲۳۹
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۳۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۹۳۳۸



نشر راه نیکان

بخش : نقد فرق

شیخیه از منظر صاحب نظران شیعه

تالیف : سید مهدی موسوی

ترجمه : استاد عبدالله امینی پور

شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۳۹۸

ISBN: 978-600-7297-69-8 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۷-۶۹-۸

قیمت : ۱۴۰۰ تومان

شماره ثبت مجوز : ۱۵۸۶۷۴۰

www.instagram.com/rahenikan
 t.me/rahenikan

info@rahenikan.com
 www.rahenikan.com

سخن ناشر

با توجه به اینکه ارتباط با فرقه شیخیه سعادت چاپ و نشر «فتنه گران سیاست سیاه» به قلم محققانه استاد سید ملک محمد مرعشی و رساله «شیخ زکریا بابیه» به قلم آیه الله زاده آقا سید محمد حسین فقیه ایمانی را نصب برده بودیم، ترجمه رساله «فتاوی فی الشیخیه» را نیز به قلم آقای سید موسوی که مجموعه‌ای از فتواهای چند تن از مراجع تقلید، محققان پژوهشگران سرشناس شیعه است نه به لحاظ مقدمه کوتاه و فشرده آن، بلکه به لحاظ فتوای نواب عام دوران غیبت حضرت امام قائم غائب به بعد موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - در معرفی فرقه شیخیه که مقدمه‌ای برای برپایی فتنه بابیت و بهائیت بوده است لازم دانستیم چنان‌که بعضی از صاحب نظران نیز به نقش شیخیه در بلیه گمراه کننده بابیت و بهائیت اشاره نموده‌اند. و لذا از جناب استاد عبداللہ امینی پور استدعای قبول زحمت ترجمه رساله حاضر را نمودیم؛ ایشان تقاضایمان را پذیرفتند. لکن در ارتباط با رساله‌ای که جهت مطالعه

انتخاب کرده‌اید تذکری لازم به نظر رسید که اگر به آن بی توجهی شود ممکن است برای ناآشنایان با چنین تألیفاتی سؤال انگیزی کند.

اهل فضل و دانش واقفند در چنین مواردی که اظهار نظر بزرگان و مفاخر شیعه آن هم تحت عنوان «فتوا» در دسترس عامه مردم قرار می‌گیرد باید تمامی جهاتی که **انصاف دینی، انصاف وجدانی، انصاف سیاسی و انصاف در دشمنی** کردن را تعریف می‌کند مراعات شود در غیر این صورت آنچه به وسیله نوشتن یا فتوا دادن انجام گرفته، اگر مطابق با ارزش‌های عام انور هم باشد نباید فراموش کرد که فرموده‌اند:

دائم جرائع سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم

ترسانه ظالمی اکند در حق مظلومی رقم

خوشبختانه صاحب نظران تشیع که در ارتباط با فرقه شیخیه مورد سؤال قرار گرفته‌اند چنین مهمی را مورد توجه قرار داده، سپس به بیان یا تحریر اظهار نظر پیرامون موضوعات مختلف یا اداره کنندگان فرقه پرداخته‌اند. هرچند اگر چنین **انصافی** هم مراعات نمی‌شد به مشروعیت فتوای آن ذوات صاحب نظر خدشه وارد نمی‌شد. ولی از صاحبان مروت و انصاف بی مروتی در حق گروهی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند بی **انصافی** بود که خوشبختانه چنین انصافی را روتبه در ارتباط با **شیخ احمد احسائی** که فرقه شیخیه را به اعتبار این که او را «**شیخ اوحده**» یا «**شیخ جلیل**» می‌خواندند با نام «**شیخیه**» شهرت دادند، مراعات شده است؛ زیرا در رابطه با معرفی او مشاهیر مفاخر و اکابر جهان تشیع معاصر که زعامت علمی حوزه‌های شیعه را عهده‌دار بوده‌اند و هستند و حکم ایشان برای شیعیان در عدم حضور عینی

حضرت امام قائم غائب موجود موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - عیناً حکم آن حضرت است، در ارتباط با شیخ احمد احسائی به مراتب علمی و زهدی که از او دیده می شود و خصوصیت های دیگرش اشاره کرده اند.

سپس به این پرداخته اند که اظهارات شیخ احمد احسائی مقدمه ای برای احداث پیراهه ای در کنار صراط مستقیم تشیع - ولایت امامیه - که اصل اصول اسلامی است می باشد. البته اهل اطلاع می دانند که این گونه گفتن یا نوشتن یا فتوا دادن عالی ترین مروت و انصاف در حق شخصی است که مورد نقد یا رد قرار می گیرد که مخصوص گروه جریه امامیه - می باشد؛ زیرا امروزه که شنیده می شود مفتیان وهاب، حترق بگير حکومت آل سعود - تأمین کننده مخارج داعش، سپاه صحابه، جبهه النصره و تکفیری های تروریسم - در فرصت هایی که نظیر خطبه های نماز - معه، آن هم در مراسم حج انواع تهمت های ناروا را به شیعه شجاع همیشه مظلوم زده و می زنند. به هر روی در ارتباط با فتواهای صاحب نظران عالی رتبه و بلند مرتبه که در مقام نواب عام دوران غیبت نبوی حضرت ولی الله الاعظم امام غائب موجود موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تذکراتی لازم است و لذا سخن فاشو این رساله را به دستها اختصاص دادیم.

در فتوایی که از نظر می گذرد چون فتواهندگان نمی خواسته اند دور از انصاف و مروت حکم کرده باشند اغلب به مراتب علمی و زهد شیخ احمد احسائی نیز اشاره نموده اند. چه بسا از این گونه

اظهارات اتباع شاخه‌های شیخیه سوءاستفاده کرده، با نقل قسمتی از فتوای صادره که به مراتب علمی و زهد شیخ احمد احسانی اشاره کرده‌اند، ادعا کنند بزرگان تشیع، شیخیه را فرقه‌ای اسلامی دانسته‌اند. به لحاظ این گونه شیطنت‌ها که از جمله لازمه‌های دوام و بقای فرقه است تذکراتی را لازم دانستیم که ذیلاً به آنها اشاره می‌کنیم:

الف: مراتب علمی افراد در صورتی که شخص را به انحراف نکشاند، حایر و مفاده و تکریم و تجلیل است. و عالمان به لحاظ این که به برت و فداست علوم آل محمد علیهم‌السلام در مرتبه عالی ایمان قرار دارند از «امد الرسل» و «مرزومه العلماء و رثة الانبیاء» می‌باشند در غیر این صورت از جمله «عالمات منحرف‌اند که به استناد روایات نبوی و علوی و ائمه طاهریں علیهم‌السلام باید از آنها دوری گزید.

ب: در آنچه شک نیست با توجه به مراتب علمی و زهدی که برای شیخ احمد احسانی اظهار شده است، نیکو دید انکار کرد که شاگردان مورد توجه و خاص‌الخاص احسانی بر اساس سند و شواهدی بدون واسطه خود از نامبرده، شیخیه را که مقدمه‌ای برای فتنه و ابیت و بهائیت شده است تأسیس کرده‌اند. اگر ما باشیم و همین اثر و جود احسانی، کفایت می‌کند که او را از جمله علماء سویی بدانیم که ملت اسلامی را به بیراهه کشانده است.

ج: اما در ارتباط با زهد شیخ احسانی که در فتواها آمده است لازم می‌باشد موضوعاتی که از احسانی رسیده و در مسانید معتبر ثبت است شرح و توضیح داده شود و قضاوت را به عهده اهل انصاف از هر قشری بگذاریم:

(۱) آیا ممکن است شخص مسلمان زاهد، دین مبین را که به عموم امت اسلامی مربوط می شود به سلیقه خود تعریف کند؟ و برخلاف مبنای دین مبین معراج جسمانی را انکار نماید؟!!!

در صورتی که قرآن می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا...»^۱

ناز به توضیح و استدلال ندارد که عبد با «جسم و روح» تعریف می شه.

یا معاد - انی، انکار کند؟! در صورتی که با مثالی عامیانه می توان این اظهار نظر را بی ربط دانست. کوری به اتفاق شخص شلی به دزدی می روند. او که چشم دارد لکن دارای پای سالم نیست بر دوش کوری که پایس سالم است می نشیند و به دزدی می روند، آیا می شود یک نفر از آن دو شخص را مجازات کرد. در صورتی که اگر کور نباشد از بینای فاقد پا، کاری ساخته نیست و اگر بینای فاقد پا نبود کور نیز نمی توانست دزدی کند. جسم و روح در ارتکاب به گناه و ثواب شریک هستند انکار معاد جسمانی ادعایی است که نه فقط با مبانی شرع سازش ندارد، بلکه عقلا هم آن را نمی پذیرند.

(۲) بدعت و کن رابع که یک شخص فاقد عصمت را در مقامی قرار می دهد که کوچک ترین سنخیتی با آن منصب ندارد و با نامایی اختراعی و ساختگی مانند «نوکر مقرب»، «ناطق واحد»، «مریدیت نواب دوران غیبت کبری را که با عنوان «حجت» حجة الله اعظم، زعامت اسلام ناب محمدی را عهده دار هستند به خواست غریبه های

دینی تضعیف کنند. البته عده‌ای که گرفتار اعوجاج عقیده‌ای و کژاندیشی هستند، سعی داشته و دارند **احمد احسانی** را از انحرافات مبرا سازند، معتقدند «**رکن رابع**» بدعتی می‌باشد که حاج محمد کریم کرمانی رئیس شیخیه کرمان گذاشته است. اگر بپذیریم بدعت **رکن رابع** ناحیه نامبرده بوده است، نمی‌توانیم نقش القائنات شیخ احمد اسبایی را در چنین ابداعی که اصل اصول اعتقادی شیخیه است بر اتاع و تفرقان او نادیده بگیریم. خصوصاً اینکه کاظم دشتی جاسوس دوجبه ایرانی و تزار و عثمانی در عراق نیز با اعتقاد به «**رکن رابع**» علی محمد شیرازی را به جهت ادعای بابیت که تعریفی دیگر از «**نوکر مقرب**» و «**ناطق واحد**»^۱ است آماده ادعای بابیت کرد. زیرا علی محمد شیرازی قبل از ادعای بابی حضرت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بودن مدعی «**رکن رابع**» شد؛ چنانکه در نامه‌ای به محمدشاه قاجار می‌نویسد: «خدا را شاهد می‌گیرم به اینکه وحدانیت او، نبوت او و ولایت خلفای ره‌دل او ظاهر نمی‌شود مگر به مرآت چهارم [= **رکن رابع**] که پرتوی از سه مرآت کلی است و خدا مرا از طینتی پاک آفریده و به این مقام رسانید».^۲

۳) موضوع دیگر که با تبرئه شیخ احمد احسانی منافات دارد ماجرای سفرهای او به شهرستان‌های ایران است که با برنامه‌ریزی‌های حکومتی قاجار و شاهزاده‌های فتحعلیشاهی صورت می‌گرفت. که زهد احسانی اگر ادعا نبوده باشد زهد دریاری تعریف

۱- ترجمه مطلع الانوار، از شوقی افندی پاورقی ۱۹۹ + رحیق مختوم؛ اشراق

می‌کند. عجیب نیست همه کسانی که در سفرهای تفریحی احسانی به شهرهای ایران از تجار سرشناس و بعضاً علمای جذب شده او بودند تمامی به عضویت فرقه شیخیه درآمدند که از جمله آنها **کاظم رشتی** می‌باشد. شخصی که ابداعات عقیده‌ای ضداسلامی شیخ احمد احسانی را اصول عقیده‌ای شیخیه نمود.

۴. در احوال شیخ احمد احسانی نوشته‌اند او مانند کشیشان مسیحیت نیسانی که بعد از شنیدن گناهان افراد و بخشیدن گناهکار با دریافت پول شایانای در بهشت به او می‌فروشدند، شیخ احمد احسانی به شاهزادگان عباس قاجار که حتماً می‌خواستند در قیامت هم از مجالست حورالعین حظی داشته باشند **بهشت‌فروشی** می‌کرده است.

۵. یا در ارتباط اجازه اجتماعی که حتی در بعضی از اظهارات سرشناسان صاحب نظر شیعه بر آن اشاره شده است، باید توجه داشت **نمی‌تواند حکم آب توبه** را داشته باشد تا شیخ احسانی را از آن همه افکار انحرافی که در دین مبین اسلام به وجود آورده پاک کند. به علاوه تأیید مراتب علمی شاگردی دلیل بر تأیید همیشگی شاگرد که بعدها به انحراف کشیده شد نمی‌باشد؛ و این را هر کس ادعا نکرده است شخصی که در علمی از علوم متخصص است و دارای مراتب عالی ایمانی نیز می‌باشد. چنان‌که مروری بر تاریخ این داشت می‌کند تمامی افرادی که تکفیر شده‌اند، افرادی تحصیل کرده و صاحب نظر بوده‌اند؛ ولی چون بر اثر عقیده‌ای از صراط مستقیم دین مبین منحرف شده‌اند به بیراهه رفته و بعضاً با نظرات انحرافی خود بیراهه‌ای را به وجود آورده‌اند، تکفیر دینی شده از جامعه طردشان

کرده‌اند.

به هر روی مهم‌ترین دلیلی که می‌توان برای کژاندیشی و انحراف شیخ احمد احسائی ارائه داد، اگر هم بر فرض محال بپذیریم اونقشی در عملکرد ضداسلامی شاگردانش نداشته است، اثر تربیت او را که تمامی شاگردانش فرقه‌سازی کرده‌اند نمی‌توانیم نادیده بگیریم و بپذیریم اونقشی در ابداع «رکن رابع» که اصول شیخیه است نداشته، هر چند اگر بعضی از اداره‌کنندگان شاخه‌های شیخیه آن را رد کرده باشند، که در رد کردن بدعت «رکن رابع» هم صادق باشند، برای اثبات انحراف آن از اسلام ناب محمدی همین بس که تن به ذلت و بدعت و خیانت فرقه‌داری و فرقه‌داری داده‌اند. و این برخلاف سنت تمامی کسانی است که پند:

به گیتی مزن جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس

آویزه‌گوش جان کرده و هر نوع فرقه‌گرایی و فرقه‌سازی را خیانت به اسلام، در اصل خدا، پیامبر، قرآن و لازمه وحدت و اتحاد امت اسلامی می‌دانند.

مدیر

در راه نیکان

۱۱ فروردین ۱۳۹۶

فهرست

۵	سخن و شعر
۱۵	فتوای دربارۀ فقه شیخیه
۱۷	پیشگفتار
۲۱	پیدایش شیخیه
۲۲	عقاید شیخیه
۲۴	شیخیه کرمان
۲۴	ابراهیم خان ظهیرالدوله و گسترش شیخی گوی در کرمان
۲۵	حاج محمدکریم خان
۲۶	شیخیه کرمان بعد از محمدکریم خان
۲۷	مراکز آموزشی شیخیه
۲۹	باقریه
۲۹	شیخیه آذربایجان و تبریز
۳۰	احقاقیه
۳۱	منابع
۳۳	گزیده‌هایی از سخنان رمزآلود شیخیه
۳۵	نخست: عقیده ناقص، عقیده کامل
۳۶	کامل‌العقیده کیست؟
۳۸	دوم: غلو درباره شیخ احمد احسائی

سوم: بابت جدید	۴۱
چهارم: توجه در نماز به چه کسی؟	۴۶
فتاوا و فرمایشات فقیهان و مراجع تقلید	
حضرت آیت الله سید محمد شفیع جابلقی بروجردی	۵۱
حضرت آیت الله شیخ ملا حبیب الله شریفی کاشانی	۵۲
حضرت آیت الله العظمی سید محسن امین حسینی عاملی	۵۴
حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا	۵۵
استفتا از صاحب حجة الاسلام آیت الله محمد حسین آل کاشف الغطا	۶۱
جناب آیت الله شیخ پژوهشگران آغا بزرگ طهرانی	۶۷
جناب حجت الاسلام محمد شیخ فرج عمران قطیفی	۶۷
جناب آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر	۷۱
جناب آیت الله العظمی سید ابوالقاسم موسوی خوئی	۷۳
جناب آیت الله سید محمد حسین حائری طهرانی	۷۳
جناب آیت الله العظمی شیخ میرزا جواد تبریزی	۷۶
جناب آیت الله سید محمد علی روضاتی	۷۶
جناب آیت الله العظمی سید محمد صادق حسینی رومانی	۷۷
جناب آیت الله العظمی سید محمد سعید طباطبائی حکیم	۷۸
جناب آیت الله العظمی شیخ جعفر سبحانی	۸۰
زندگینامه شیخ احمد احسائی	۸۱
حقیقت وضع شیخیه	۸۵
خلاصه عقیده کشفیه در مورد اهل بیت	۸۷
جناب آیت الله سید حسین شاهرودی	۸۹
جناب آیت الله سید جعفر مرتضی حسینی عاملی	۹۰
جناب آیت الله شیخ محمد سند بحرانی	۹۳
منابع	۹۶